# وصاياي نوراني چهارده معصوم قسمت مربوط به امام جواد (ع)

## مشخصات كتاب

سرشناسه : مومني، فرشاد
عنوان و نام پديدآور : وصاياي نوراني چهارده معصوم عليهم‌السلام / تاليف فرشاد مومني.
مشخصات نشر : قم: منشور وحي، ۱۳۸۶.
مشخصات ظاهري : ۲۰۰ ص.
شابك : ۱۸۰۰۰ ريال 978-964-8414-45-5 :
وضعيت فهرست نويسي : برون‌سپاري
يادداشت : پشت جلد به انگليسي: Farshad Momeni. the Precepts of Fourteen Maasoom.
يادداشت : عنوان روي جلد: وصاياي چهارده معصوم عليهم‌السلام.
يادداشت : كتابنامه به‌صورت زيرنويس.
عنوان روي جلد : وصاياي چهارده معصوم عليهم‌السلام.
موضوع : چهارده معصوم -- وصيتتنامه‌ها
موضوع : چهارده معصوم -- احاديث
موضوع : چهارده معصوم -- اندرزنامه‌ها
رده بندي كنگره : BP۳۶/م۹۲۷و۶ ۱۳۸۶
رده بندي ديويي : ۲۹۷/۹۵
شماره كتابشناسي ملي : ۱۳۰۴۸۱۴

## ولادت امام جواد

امام عليه‌السلام در روز دهم ماه رجب سال 195 هجري قمري در مدينه منوره در خانه امامت ديده به جهان گشود. پدر بزرگوارش امام رضا عليه‌السلام و مادرش سبيكه نام داشت، كه حضرت رضا عليه‌السلام او را خيزران خطاب مي‌نمودند. آن بانو از اهالي نوبه بوده و از اهل‌بيت ماريه قبطيه، مادر ابراهيم پسر حضرت رسول صلي الله عليه و آله مي‌باشند.

## نام و القاب امام جواد

حضرت رضا عليه‌السلام فرزندش را محمد جواد ناميد و بر اساس نصبي كه از پيامبر صلي الله عليه و آله و سلم و اميرمؤمنان علي عليه‌السلام به او رسيده بود فرزند خود را به جواد، زكي، و تقي ملقب فرمودند. به جز اين سه لقب حضرت جواد عليه‌السلام، داراي القاب ديگري چون، قانع، مرتضي، نجيب، منتخب، متقي، متوكل، المختار، عالم نيز بوده است. اما به جهت جود و سخاوت فراوان مشهورترين لقب امام محمد تقي عليه‌السلام جواد است، گذشته از اين امام عليه‌السلام در بين شيعه و سني به باب المراد نيز شهرت دارد.

## كنيه امام جواد

كنيه حضرت امام جواد عليه‌السلام ابوجعفر است كه به وي ابوجعفر ثاني نيز گفته [ صفحه 164] مي‌شود ابوجعفر اول كنيه امام پنجم امام محمد باقر عليه‌السلام است به طور خاص ابوعلي به امام نهم گفته مي‌شود. [1] .

## جايگاه علمي امام جواد

امام جواد عليه‌السلام چون اجداد طاهرش خزانه‌دار علم الهي و گنجينه‌دار رازها و رمزهاي آفرينش بود. امام جواد عليه‌السلام با سني كم با شركت در مناظره‌ها و مباحثه‌هاي عالمان و دانشمندان بزرگ عصر خويش، علم لدني كه همانا مختص به انبياء و معصومين است را فرا روي مردمان عصر خود و اعصار ديگر به تصوير كشيدند. حضرت به مناسبتي به اين نكته اشاره و مرز و سرچشمه علم خويش را با ديگران مشخص مي‌نماياند. هنگامي كه حضرت موضوع حيف و ميل شباني را به او گوشزد مي‌كرد. در پاسخ به پرسش شبان كه عرض كرد، از كجا به اين موضوع پي بردي، حضرت مي‌فرمايند: نحن خزان علمه و عيبة حكمته و اوصياء انبيائه و عباد مكرمون همانا ما خزانه‌داران علم الهي و گنجينه داران حكم خداوندي و جانشينان انبياء و بندگان گرامي او هستيم. در ميان شاگردان و راويان آن حضرت مي‌توان به چهره‌هاي درخشان و شخصيتهاي برجسته‌اي مانند: علي بن مهزيار، احمد بن محمد بن ابي‌نصر بزنطي، زكريا بن آدم، محمد [ صفحه 165] بن اسماعيل بن بزيع، حسين بن سعيد اهوازي، احمد بن محمد بن خالد برقي كه هر كدام در صحنه علمي و فقهي وزنه خاصي به شمار رفته و برخي داراي تأليفات متعدد بوده‌اند اشاره نمود. از طرف ديگر، راويان احاديث امام جواد عليه‌السلام تنها در محدثان شيعه خلاصه نمي‌شوند، بلكه محدثان و دانشمندان اهل تسنن نيز معارف و حقايقي از اسلام را از آن حضرت نقل كرده‌اند. به عنوان نمونه «خطيب بغدادي» احاديثي با سند خود از آن حضرت نقل كرده است. [2] هم چنين حافظ «عبدالعزيز بن اخضر جنابذي» در كتاب «معالم العترة الطاهرة» [3] و مؤلفاني نيز مانند: ابوبكر احمد بن ثابت، ابواسحاق ثعلبي، و محمد بن مندة بن مهربذ در كتب تاريخ و تفسير خويش رواياتي از آن حضرت نقل كرده‌اند. [4] .

## برخورد با فرقه‌هاي منحرف

امام جواد عليه‌السلام در برابر فرقه‌هايي كه در دوران آن حضرت وجود داشتند، شيعيان خود را آگاه ساخته و از انحراف از جاده حقيقت بر حذر مي‌داشتند. يكي از اين فرقه‌ها اهل حديث يا مجسمي مذهب بوده كه خدا را جسم مي‌پنداشتند. امام عليه‌السلام درباره‌ي آنان به شيعيان مي‌فرمود كه اجازه ندارند پشت هر كسي كه خدا را جسم مي‌داند نماز گزارده و به او زكات بپردازند. واقفه يكي ديگر از فرقه‌هاي موجود انشعابي از شيعه در زمان امام [ صفحه 166] جواد عليه‌السلام بود كه به صورت مشكلي در مقابل شيعيان مطرح شده بود، آنان كساني بودند كه پس از شهادت امام كاظم عليه‌السلام بر آن حضرت توقف كرده و امامت فرزندش علي بن موسي الرضا عليه‌السلام را نپذيرفتند. وقتي از امام عليه‌السلام درباره‌ي نماز خواندن پشت سر واقفي مذهبان سؤال مي‌شد، آن حضرت در جواب، شيعيان را از اين كار نهي مي‌فرمودند. زيديه نيز فرقه‌اي بود منشعب از شيعه، در روايتي از امام جواد عليه‌السلام آمده كه حضرتش فرمودند: واقفيه و زيديه، مصداق اين آيه از قرآن مي‌باشند كه: «وجوه يومئذ خاشعة عاملة ناصبة.» در روز قيامت يك عده كه اهل آتش هستند بر چهره‌هايشان در آن روز غبار ذلت و خواري نشسته همچون كساني نمودار است كه شدت سختي‌هاي وارده بر چهره‌هاي ايشان نمودار است. غلات [5] نيز مورد تنفر امامان عليه‌السلام بودند، خطر اين فرقه براي شيعيان بسيار جدي بود. اينان به نام امامان، رواياتي را به دروغ ساخته و بدين وسيله شيعيان را كه پيرو ائمه بودند به انحراف مي‌كشاندند. امام جواد عليه‌السلام درباره‌ي ابوالخطاب كه از سران غلات بود فرمودند: لعنت خدا بر ابوالخطاب و اصحاب او و كساني كه درباره‌ي لعن بر او توقف كرده و يا ترديد كنند. [6] .

## امام جواد از نگاه ديگران

شخصيت والاي علمي اخلاقي امام جواد عليه‌السلام در نگاه خلفاء، دانشمندان، نويسندگان و تاريخ نگاران غير شيعه، سندي گويا بر جايگاه رفيع اين امام [ صفحه 167] همام در بين مسلمانان مي‌باشد كه به عنوان نمونه به چند مورد آن اشاره مي‌شود: مأمون، خليفه عباسي خليفه‌ي عباسي در پاسخ به اعتراض بزرگان بني‌عباس در خصوص به تزويج در آوردن دخترش ام‌الفضل به امام جواد عليه‌السلام، اين امام همام را اعجوبه عصر خواند و گفت: قد اخترته لتبريزه علي كافه اهل الفضل في العلم و الفضل مع صغر سنه و الاعجوبه فيه بذالك. من بدان جهت وي را به دامادي خود برگزيدم كه با كمي سن در علم و فضيلت بر همه اهل زمان برتري دارد و اعجوبه‌اي است در علم و دانش. [7] . اسقف بزرگ مسيحي اسقف مسيحي پس از آگاهي يافتن از علم و دانش امام جواد عليه‌السلام در مسائل پزشكي گفت به نظر مي‌رسد اين شخص امام جواد عليه‌السلام پيامبري از نسل پيامبران است. [8] .

## وصيت امام جواد به امامت امام هادي

آغاز امامت امام هادي و تصريح امام جواد عليه‌السلام به آن. قبل از آنكه امام هادي عليه‌السلام به امامت برسد، پدرش امام جواد عليه‌السلام در فرصتهاي مناسب، به امامت و جانشيني او تصريح نموده بود. از جمله هنگامي كه در سال 220 هجري قمري از مدينه به سوي بغداد رفت، يكي از [ صفحه 168] يارانش به نام اسماعيل بن مهران پرسيد «امام بعد از شما كيست؟» آن حضرت در پاسخ فرمود: الامر من بعدي الي ابني علي؛ امر امامت بعد از من، به عهده‌ي پسرم علي (امام هادي عليه‌السلام) مي‌باشد. [9] . هنگامي كه امام جواد عليه‌السلام بر اثر زهري كه معتصم عباسي به او خوراند، مسموم و بستري شد، احساس كرد در سفر آخرت قرار گرفته، لذا در مورد جانشين وصيت كرد. در اينجا نظر شما را به چگونگي آن جلب مي‌كنم. «خيراني» مي‌گويد: پدرم كه خدمتكار خانه امام جواد عليه‌السلام بود مي‌گفت: شخصي به نام «احمد بن محمد بن عيسي» هر شب هنگام سحر به خانه امام جواد عليه‌السلام مي‌آمد تا از وضع بيماري آن حضرت باخبر گردد. اكنون ماجرا را از زبان پدر خيراني بشنويد: بين امام جواد و من شخصي (به عنوان رسول) واسطه بود. وقتي او به خانه امام جواد عليه‌السلام مي‌آمد، احمد (نامبرده) مي‌رفت. روزي من با رسول خلوت كردم رسول گفت: آقايت (امام جواد) به تو سلام مي‌رساند و مي‌فرمايد من از دنيا مي‌روم و بعد از من، مقام امامت به پسرم علي (امام هادي) مي‌رسد و او همان سمتي را دارد كه من بعد از پدرم بر شما داشتم. سپس رسول رفت، با اينكه سخن من و او محرمانه بود، احمد (نامبرده) در گوشه‌اي پنهان شده بود، سخن ما را شنيد و گفت رسول به تو چه گفت؟ گفتم: سخن خيري گفت: احمد به من گفت: سخن رسول را شنيدم، آن را از من پنهان مكن [ صفحه 169] (سپس آنچه شنيده بود بيان كرد). من به احمد گفتم: اين كه سخن محرمانه ما را شنيدي براي تو روا نبود، زيرا خداوند مي‌فرمايد: و لا تجسسوا: تجسس نكنيد. [10] اكنون كه شنيده‌اي اين گواهي را (كه امام بعد از امام جواد عليه‌السلام حضرت هادي عليه‌السلام است) پيش خود نگهدار و مكتوم بدار تا هنگامي كه به آن گواهي احتياج شد، گواهي ده. هنگامي كه صبح شد، من («خيراني» خدمتكار خانه امام جواد) همان خبر رسول (كه امام بعد از امام جواد، حضرت هادي عليه‌السلام مي‌باشد) را در ده ورقه نوشته و مهر كردم و مخفيانه به ده نفر از بزرگان قوم دادم و به هر يك از آن‌ها گفتم: اگر قبل از آن كه اين ورقه را از شما مطالبه كنم، از دنيا رفتم آن را باز كنيد و مضمونش را به اطلاع مردم برسانيد. هنگامي كه امام جواد عليه‌السلام از دنيا رفت، من طبق دعوت محمد بن فرح [11] به خانه او رفتم، ديدم دوستان در خانه او جلسه تشكيل داده‌اند، در آن جلسه، ورقه‌ها را از آن ده نفر (مذكور) دريافت كردم و نوشته آن ورقه‌ها را براي حاضران خواندم. حاضران گفتند «خوب بود گواه ديگري نيز مي‌داشتي». من گفتم: خداوند آن گواه را نيز درست كرده، آنگاه به ابوجعفر اشعري (همان احمد نامبرده) كه در آنجا حاضر بود گفتم: آنچه از رسول امام شنيدي، اكنون گواهي بده، احمد منكر شد و به دروغ گفت: چيزي نشنيده‌ام، من احمد را به مباهله طلبيدم (به او گفتم: با هم دعا كنيم و از خدا بخواهيم عذابش را بر آن كس كه دروغگو است برساند) در اين [ صفحه 170] هنگام، همه حاضران به امامت حضرت هادي عليه‌السلام بعد از امام جواد عليه‌السلام اعتقاد يافتند. از صقر بن دلف نيز روايت شده كه امام جواد عليه‌السلام در مورد حضرت هادي عليه‌السلام چنين مي‌فرمايد: ان الامام بعدي ابني علي، امره امري، و قوله قولي، و طاعته طاعتي. «همانا امام بعد از من، پسرم علي عليه‌السلام است، امر او، امر من و سخنش سخن من است و اطاعت از او اطاعت از من است». [12] . همچنين اسماعيل بن مهران روايت مي‌كند: هنگامي كه امام جواد عليه‌السلام براي اولين بار عازم بغداد بودند، هنگام خروج از مدينه به ايشان عرض كردم: فدايت گردم، من در مورد اين سفر شما، ترسان و نگرانم، امر امامت بعد از شما از آن كيست؟ حضرت تبسمي نمود و فرمودند: آن كه تو گمان كرده‌اي (شهادت) در اين سال رخ نمي‌دهد. راوي مي‌گويد: پس از مراجعت امام از بغداد و گذشت ايامي چند، هنگامي كه معتصم عباسي مجددا امام عليه‌السلام را از مدينه به بغداد طلبيد، به حضورش شتافتم و عرض كردم: جانم فدايت، شما مي‌روي، بعد از شما شيعيان به چه كسي مراجعه نمايند؟ (امام بعد از شما كيست؟) امام جواد عليه‌السلام فرمودند: در اين سفر نگراني و خطر وجود دارد. الامر من بعدي الي ابني علي مقام امامت بعد از من با پسرم علي (امام هادي عليه‌السلام) است. [13] .

## پاورقي

[1] شبكه اطلاع رساني، امام جواد عليه‌السلام.
[2] تاريخ بغداد، بيروت، دارلكتاب العربي، ج 3، ص 54 و 55.
[3] امين، سيد محسن، اعيان الشيعة، بيروت، دارالتعارف المطبوعات، 1403، هجري قمري، ص 35.
[4] ابن‌شهر آشوب، قم المطبعة العلمية، ج 4، ص 384. پايگاه اطلاعي رساني شهيد آويني.
[5] غلات پيروان فرقه‌اي بوده‌اند، كه در عقايد مذهبي غلو كرده و از حد خارج مي‌شدند. از جمله مدعي الوهيت امام صادق عليه‌السلام بودند. لغت نامه‌ي دهخدا.
[6] موسسه جهاني سبطين عليهماالسلام.
[7] بحارالانوار، ج 50، ص 75؛ موسوعه الامام الجواد عليه‌السلام، ج 1، ص 360 و 363؛ اعيان الشيعه، ج 3، ص 129.
[8] المناقب لابن شهر آشوب، ج 4، ص 389 موسوعه الامام الجواد عليه‌السلام، شبكه اطلاع رساني امام جواد عليه‌السلام.
[9] اصول كافي، ج 1، ص 323. [
[10] سوره حجرات /12.
[11] از اصحاب مورد اطمينان امام رضا و امام جواد و امام هادي عليهماالسلام.
[12] كمال‌الدين، صدوق، ج 2، ص 50؛ نگاهي بر زندگي امام هادي عليه‌السلام، محمد محمدي اشتهاردي.
[13] نگاهي بر زندگي دوازده امام، علامه حلي.